



گزارش

کتابخانه عمومی و مرکز توانمندسازی سیار افق (سیارک سپهر)

تسهیلگر پروژه:

اکبر کارگر

نویسنده گزارش:

اکبر کارگر، امیر پیشجو



کتابخانه عمومی و مرکز توانمندسازی سیار افق

کتابخانه عمومی و مرکز توانمندسازی افق (سیارک سپهر)، یک کتابخانه سیار در شهرستان قاین واقع در استان خراسان جنوبی است که فعالیت خود را از سال ۱۴۰۰ با همت سازمان مردم نهاد محلی بنیاد سپهر آغاز کرده است. سیارک سپهر اکنون به ۱۵ مقصد مختلف سفر می کند و برای کودکان روستاها قصه و کتاب می برد. در جدول شماره ۱، آمار اعضای کتابخانه به تفکیک مقصد در سال ۱۴۰۴ آمده است. جدول شماره ۱: آمار اعضای کتابخانه سیار افق در سال ۱۴۰۴

ردیف	مقصد	آمار اعضای کتابخانه
۱	گرازان	۱۸
۲	زول	۷۰
۳	فلک	۲۱
۴	اندریک	۱۴
۵	خونیک تجن	۱۹
۶	بن خونیک	۱۰
۷	باراز	۲۱
۸	تجن	۷
۹	خشک	۲۷
۱۰	فیروزآباد	۱۹
۱۱	نوخاب حاجی آباد	۷۸
۱۲	فروزان نژاد	۷۰
۱۳	چلونک	۲۷
	جمع کل	۴۰۱



تصویر شماره ۱: کتابخانه سیار افق در روستای فیروزآباد



کتابخانه عمومی و مرکز توانمندسازی سیار افق (سیارک سپهر)

خدمات انجام شده توسط کتابخانه سیار افق در سال ۱۴۰۴:

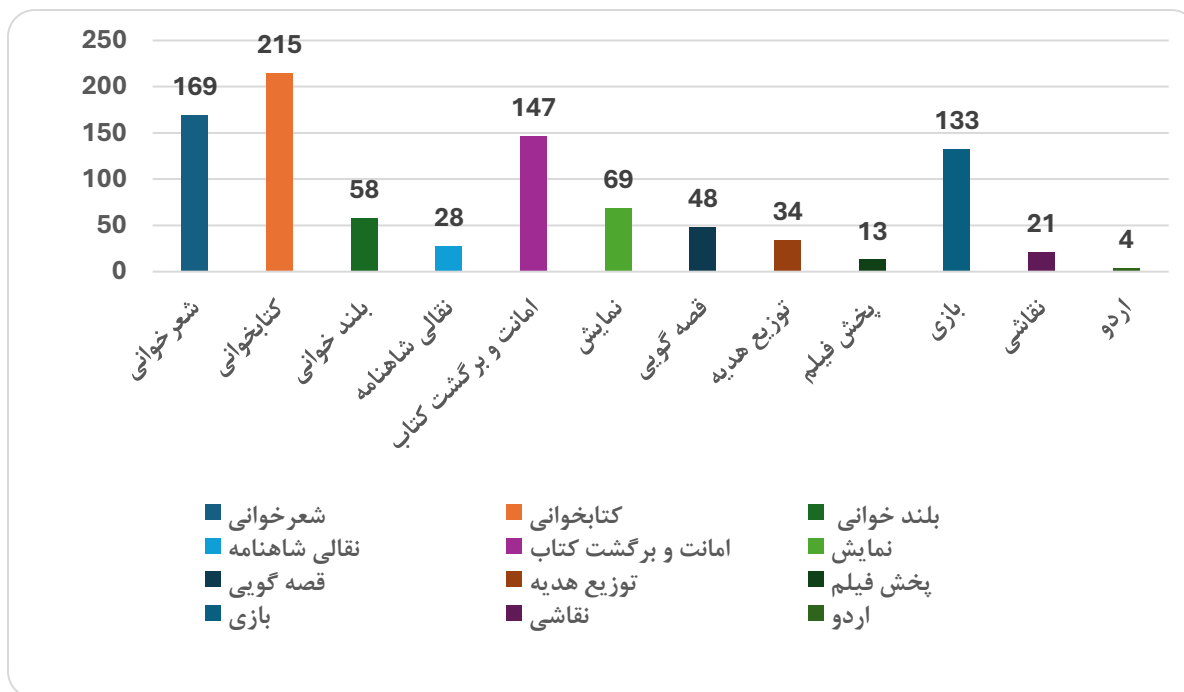
در جدول شماره ۲، خدمات کتابخانه به تفکیک مقصد و نوع خدمت در سال ۱۴۰۴ آمده است.

جدول شماره ۲: خدمات کتابخانه سیار افق به تفکیک مقصد و نوع خدمت در سال ۱۴۰۴

ردیف	مقصد	شعرخوانی	کتابخوانی	بلند خوانی	نقالی شاهنامه	امانت و برگشت کتاب	نمایش	قصه گوئی	توزیع هدیه	بخش فیلم	بازی	نقاشی	اردو سرود
۱	گرازان	۹	۱۶	۲	۰	۱۰	۱	۲	۴	۰	۶	۰	۰
۲	زول	۱۶	۱۸	۳	۱	۳	۱۲	۳	۳	۰	۷	۱	۱۱
۳	فلک	۱۱	۱۹	۷	۰	۱۶	۳	۳	۰	۱	۶	۱	۱
۴	خونیک تجن	۱۲	۱۹	۶	۰	۱۶	۵	۴	۴	۱	۱۶	۰	۱
۵	بن خونیک	۹	۱۶	۶	۰	۱۳	۱	۱	۳	۰	۹	۰	۰
۶	باراز	۳	۷	۴	۱	۸	۱	۰	۳	۰	۱	۰	۰
۷	تجن	۱۷	۱۸	۶	۰	۱۵	۴	۲	۱	۰	۱۰	۱	۱
۸	چلونک	۳	۳	۱	۱	۰	۰	۲	۱	۰	۲	۰	۰
۹	نوغاب حاجی آباد	۱۰	۱۶	۴	۳	۱۴	۲	۵	۳	۰	۱۰	۱	۲
۱۰	پیک امید (متفرقه)	۸	۲	۲	۳	۰	۱۳	۹	۶	۰	۷	۲	۱
۱۱	روم	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۲	اندریک	۱۸	۲۳	۸	۱	۱۹	۶	۴	۳	۱	۱۳	۱	۲
۱۳	مرکز فروزان نژاد	۳۷	۴۰	۴	۱۳	۱۸	۱۳	۷	۳	۱۰	۳۱	۱۴	۴
۱۴	خشک	۱۱	۱۳	۴	۵	۱۲	۶	۴	۰	۰	۱۳	۰	۰
۱۵	فیروزآباد	۵	۵	۰	۰	۳	۲	۲	۰	۰	۲	۰	۱
	جمع کل	۱۶۹	۲۱۵	۵۸	۲۸	۱۴۷	۶۹	۴۸	۳۴	۱۳	۱۳۳	۲۱	۴



در نمودار شماره ۱، نوع و تعداد خدمات انجام شده توسط کتابخانه سیار افق در سال ۱۴۰۴ آمده است.
نمودار شماره ۱: نوع و تعداد خدمات انجام شده توسط کتابخانه سیار افق در سال ۱۴۰۴



در جدول شماره ۳، آمار فعالیت های کتابخانه های در سال ۱۴۰۴ آمده است.

جدول شماره ۳: آمار فعالیت های کتابخانه های سیار افق در سال ۱۴۰۴

عنوان فعالیت	تعداد	درصد
شعر خوانی	۱۶۹	۱۸٪
کتابخوانی	۲۱۵	۲۲٪
بلند خوانی	۵۸	۶٪
نقالی شاهنامه	۲۸	۳٪
امانت و برگشت کتاب	۱۴۷	۱۵٪
نمایش	۶۹	۷٪
قصه گویی	۴۸	۵٪
توزیع هدیه	۳۴	۴٪
پخش فیلم	۱۳	۱٪
بازی	۱۳۳	۱۴٪
نقاشی	۲۱	۲٪
اردو	۴	۱٪
سرود	۲۴	۲٪
جمع	۹۶۳	۱۰۰٪



شعر خوانی:

در سال گذشته بیشتر شعرهای استاد مجتبی کاشانی را با بچه‌ها خواندیم. حالا در همه‌ی روستاهای مقصد، کودکان این شعرها را بلدند و شاعرشان را هم می‌شناسند. حتی پیش آمده که چند نفر از بچه‌ها، شعرهای دیگری از او پیدا کرده‌اند و برای ما خوانده‌اند. شعر **دانه باشیم نه سیب** را به این شکل اجرا می‌کنیم: ابتدا من می‌خوانم و بچه‌ها گوش می‌دهند، سپس شعر را بیت به بیت با هم تکرار می‌کنیم.

یکی دیگر از شعرهایی که امسال زیاد خوانده شده، **منظومه‌ی سیارک** است؛ شعری که الهام مراد برای سیارک سپهر سروده است. بچه‌ها بخش اول این شعر را تمرین کرده و به خوبی یاد گرفته‌اند و آن را به صورت جمعی اجرا می‌کنند.

هر روز میره تیک تیک نوغاب حاجی آباد سر میزنه نم‌نمک هر کی اونو می‌بینه ازش شادی می‌باره با بچه‌ها می‌جوشه درس می‌خونه تو تهرون چای آتیشی با دوستا چه کارای باحالی این گل نوشکفته یاری رسونده بودن کسی غریب نمونه	اکبر با سیارکش میره باراز و تجن بن خونیک و گرازان میگن بیا پیش ما غیر کتاب و قصه چولی قزک می‌خونه دلش توی قاین بازی و شعر و قصه سبزی باهم می‌کارن سیارک از سپهره سپهر و هم‌نوردش تا توی شهر و روستا	از نیگ تا اندریک با بچه‌های دلشاد از خشک تا چلونک با بچه‌ها می‌شینه کتاب خوب میاره دستار هم می‌پوشه امیر بچه درس خون به دیدن بچه‌ها کتاب و فیلم عالی بعدا نگید نگفته راهش انداخته بودن با همه مهربونه	از زول تا رومشتیک به روستاهای آباد خونیک‌تجن تا فلک سیارک یه ماشینه کتابخونه سیاره اکبر کتابفروشه امیره همراه اون باهم میرن به روستا کاردستی و نقالی این نکته جا نیفته پنج سال پیش حدودن سیارک نمونه
---	--	--	---

این شعر باعث شد که در دو روستا بچه‌ها با الهام گرفتن از آن، شعرهایی برای سیارک گفتند و استعداد شاعری آنها شکوفا شد.

هورا و فاطمه از مدرسه ابن سینا در روستای فیروزآباد هم این شعر سرودند:

روستا به روستا میره قدر ما رو میدونه ببینیمش همیشه	این شهر و اون شهر میره اون خیلی مهربونه آرزوی ما اینه	سیارک سپهره روستای فیروزآباد ما رو خوشحال میکنه	هوهوهو سپهره میاد به روستای ما با ما بازی میکنه
--	---	---	---

فاطمه زهرا رازقی از روستای اندریک هم این شعر را سرود:

سیارکی چه زیبا یک آقای جوونه	سیارکی همینجاست راننده‌ی سیارک و....	بچه‌های باخدا با همه مهربونه اسمی قشنگ و زیبا	سلام سلام بچه‌ها سیارک نمونه اکبر اسم آقاست
---------------------------------	--	---	---



کتاب خوانی:

- یکی از فعالیت های محوری ما کتاب خوانی است. که در چند بخش انجام می شود:
- ابتدا بچه ها با هم کتاب هایی را از کتابخانه انتخاب می کنند. سپس به صورت دایره نشسته و در فضایی شبیه به کتابخانه، به مدت ده دقیقه به مطالعه می پردازند. در ادامه، هر کسی تمایل داشت، خلاصه کتاب خود را ارائه می دهد.
 - بچه هایی که کتابی را برای مدت ده روز امانت گرفته و مطالعه کرده اند، خلاصه آن را برای ما تعریف می کنند.
 - یک کتاب را انتخاب کرده و به صورت مشترک، هر نفر صفحه ای از آن را برای دیگران می خواند. علاوه بر این ها، روش های دیگری نیز برای کتاب خوانی داریم.

نقالی شاهنامه:

در سال گذشته، برنامه هفت خوان را در اکثر روستاها اجرا کردیم و در دو روستای زول، خشک و مرکز فروزان نژاد این برنامه را به صورت متمرکز با کودکان تمرین کردیم. کودکان نقش شخصیت های خوان اول از "هفت خوان" را به صورت نمایشی ایفا می کنند و هر کدام مسئولیت ایفای یک نقش را بر عهده دارند. پس از آنکه کودکان با داستان خوان اول به خوبی آشنا شدند، آن را برای دیگران بازگو می کنند. در روستای زول ۷ نفر و در روستای خشک ۲ نفر و در مرکز فروزان نژاد ۳ نفر بر بازگویی خوان اول مسلط هستند.

قصه گویی:

از میان قصه هایی که امسال برای کودکان تعریف کردیم، قصه های «چولی قزک»، «بی بی هور و بی بی نور» و «بومادران» بسیار پرطرفدار بوده اند. این قصه ها جزو قصه های محلی و قدیمی منطقه خراسان هستند. قصه «چولی قزک» به طور خاص، مورد توجه تمامی اعضای کتابخانه قرار گرفته و بارها توسط آن ها به صورت نمایشی اجرا شده است.

توزیع هدیه:

ما معمولاً به کودکانی که به طور منظم کتاب امانت می گیرند و خلاصه های خوبی ارائه می دهند، هدیه می دهیم. البته بعضی وقت ها برای تشویق به کتابخوانی، به کودکانی که کمتر کتاب می خوانند نیز هدیه می دهیم. همچنین، برای ایجاد فضایی گرم و صمیمی، گاهی هدایای خوراکی در نظر می گیریم تا همه با هم دور هم جمع شویم و از آن لذت ببریم. کودکان از دریافت هدیه بسیار خوشحال می شوند و متقابلاً هدایایی نیز به ما می دهند.

پخش فیلم:

امسال چندین جلسه پخش فیلم داشتیم. یکی از این جلسات به نمایش فیلم «قصه ی خوبه خدا» اختصاص داشت، فیلمی که در واقع نمایش صحنه های از کارهای بچه های خود قاین است. این برنامه با حضور کارگردان نمایش، آقای قائم پناه، و بازیگران آن، از جمله آقای پیش جو، برگزار شد.



بازی:

بازی یکی از جذاب‌ترین فعالیت‌ها برای کودکان است و ما نیز بازی‌های متنوعی را در برنامه خود داریم. برای آشنایی بیشتر با کودکان و ایجاد فضایی صمیمی، ابتدا بازی «تقلید اسم» را انجام می‌دهیم. در این بازی، هر کودک ابتدا نام خود را معرفی می‌کند و سپس ما از او تقلید می‌کنیم. پس از آن، هر کودک یک حرکت انجام می‌دهد و ما آن حرکت را تقلید می‌کنیم. علاوه بر این، بازی «حلقه و کاکتوس» را نیز اجرا کردیم که در آن، به هر کسی که بتواند سه حلقه را روی کاکتوس بیندازد، جایزه داده می‌شود. سایر بازی‌هایی که امسال با کودکان انجام دادیم شامل فوتبال، وسطی، هفت‌سنگ، طناب‌بازی و بالا بلندی است.

نقاشی:

در سال گذشته، در هر یک از مقاصد، مسابقه نقاشی با موضوع «روستا» برگزار کردیم. از کودکان خواسته شد تا روستای خود را نقاشی کنند یا محصولات آن را به تصویر بکشند. برخی از کودکان نیز با خلاقیت خود، شعر «دانه باشیم نه سیب» را در قالب نقاشی به تصویر کشیدند. در نهایت، نقاشی‌های منتخب قاب گرفته شده و به عنوان هدیه برای حامیان سیارک ارسال شد.

سرود:

طی چند سال گذشته، شعری از استاد کاشانی انتخاب شد و با همکاری یک آهنگساز و خواننده قاینی، قطعه‌ای از آن ساخته شد. در سال گذشته، این شعر را با کودکان روستای زول تمرین و در مناسبت‌های مختلف، چندین بار آن را در روستای زول و شهر قاین اجرا کردیم.

نمایش:

در سال گذشته، چندین نمایش عروسکی برای کودکان اجرا کردیم. نمایش‌هایی مانند «آدم کوچولوی گرسنه»، «مرغ سرخ پاکوتاه» و «عنان» از آن جمله‌اند. در این برنامه، علاوه بر اجرای ما، کودکان نیز با عروسک‌های دستی به اجرای نمایش پرداختند.

بلند خوانی:

کودکان را طوری می‌نشانیم که همه بتوانند من و کتابی که قرار است بخوانم را به خوبی ببینند. سپس، کتاب را به سمت آن‌ها می‌گیرم تا تصویر آن را به وضوح مشاهده کنند و پس از آن، شروع به خواندن کتاب می‌کنم.

افزایش منابع:

در سال ۱۴۰۴ تعداد ۲۶۱۶ جلد کتاب به ارزش ۳۰۵۷.۶۷۸.۷۰۰ ریال به کتابخانه عمومی و مرکز توانمندسازی سیار افق اهدا شده است.



جدول شماره ۴: لیست اهداکنندگان کتاب به کتابخانه سیار افق

ردیف	اهدا کننده	تعداد (جلد کتاب)	مبلغ (ریال)
۱	سید محمد علی صدر قاینی	۱۵۱۸	۱.۴۰۲.۵۰۴.۰۰۰
۲	دیجی کالا مهر	۵۲۹	۱.۰۶۸.۳۸۴.۷۰۰
۳	کتابخانه امام رضا (ع)	۱۷۷	۱۴۷.۳۰۰.۰۰۰
۴	خانم علیپور	۴	۲.۵۰۰.۰۰۰
۵	جامعه یآوری	۱۷۶	۴۷.۵۰۰.۰۰۰
۶	میلاد خیرخواه	۱۰	۱۲.۳۴۰.۰۰۰
۷	نجمی هاشمی فشارکی	۷۵	۱۶۰.۳۵۰.۰۰۰
۸	آقای جانی	۴۵	۳۰.۰۰۰.۰۰۰
۹	زهرا جعفرزاده	---	۵۴.۳۰۰.۰۰۰
۱۰	عصمت میرزاپور	---	۵۰.۰۰۰.۰۰۰
۱۱	سجاد پردل	---	۷.۵۰۰.۰۰۰
۱۲	کانون کتاب دانشگاه بیرجند	۸۲	۷۰.۰۰۰.۰۰۰
۱۳	زهرا پور رضایی	---	۵.۰۰۰.۰۰۰
	جمع کل	۲۶۱۶	۳.۰۵۷.۶۷۸.۷۰۰



تصاویر شماره ۲: سفرهای کتابخانه سیار افق به روستاها



سفرهای کتابخانه سیار افق در سال ۱۴۰۴:

ما در سال پر فراز و نشیب ۱۴۰۴، با سیارک سپهر ۲۷۲ بار سفر کردیم و برای بچه ها کلمه بردیم تا شاید روزی این قصه‌ها راهنمایی برای زیست بهتر باشند.

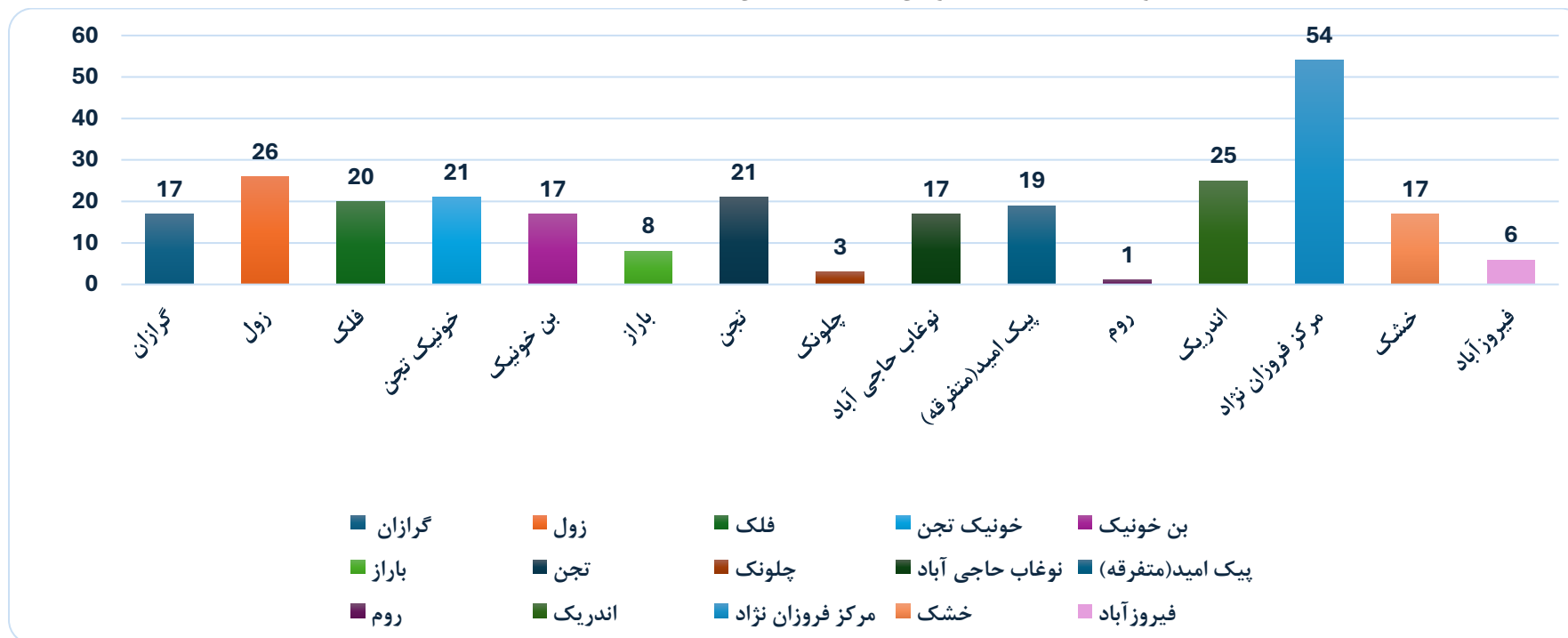
جدول شماره ۵: تعداد سفرهای کتابخانه سیار افق به تفکیک مقصد در سال ۱۴۰۴

ردیف	مقصد	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند	جمع سفر به مقصد	درصد
۱	گرازان	۱	۳	۰	۲	۱	۳	۱	۱	۱	۱	۲	۱	۱۷	۶٪
۲	زول	۵	۷	۰	۱	۱	۲	۱	۳	۳	۰	۳	۰	۲۶	۱۰٪
۳	فلک	۰	۱	۲	۲	۲	۲	۵	۱	۳	۲	۰	۰	۲۰	۷٪
۴	خونیک تجن	۲	۰	۲	۲	۲	۲	۴	۲	۰	۲	۲	۱	۲۱	۸٪
۵	بن خونیک	۲	۲	۰	۲	۱	۳	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱۷	۶٪
۶	باراز	۱	۱	۰	۲	۰	۲	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۸	۳٪
۷	تجن	۲	۲	۲	۱	۰	۰	۴	۲	۲	۴	۱	۱	۲۱	۸٪
۸	چلونک	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۳	۱٪
۹	نوغاب حاجی آباد	۲	۳	۰	۲	۰	۵	۲	۰	۱	۱	۱	۰	۱۷	۶٪
۱۰	پیک امید(متفرقه)	۱	۳	۳	۱	۰	۱	۵	۱	۱	۱	۰	۳	۱۹	۷٪
۱۱	روم	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰٪
۱۲	اندریک	۰	۰	۲	۲	۳	۲	۴	۹	۴	۲	۰	۲	۲۵	۹٪
۱۳	مرکز فروزان نژاد	۰	۰	۰	۴	۹	۸	۵	۶	۵	۶	۷	۴	۵۴	۲۰٪
۱۴	خشک	۰	۰	۰	۱	۴	۴	۱	۱	۲	۱	۱	۲	۱۷	۶٪
۱۵	فیروزآباد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۲	۱	۱	۶	۲٪
	جمع کل	۱۶	۲۳	۱۱	۲۲	۲۴	۳۷	۳۷	۲۱	۲۴	۲۲	۲۲	۱۳	۲۷۲	۱۰۰٪



کتابخانه عمومی و مرکز توانمندسازی سیار افق (سیارک سپهر)

نمودار شماره ۲: تعداد سفرهای کتابخانه سیار افق به تفکیک مقصد در سال ۱۴۰۴



۱۹

میانگین سفر
به هر مقصد

۲۷۲

تعداد سفر
در سال



تولد یک مرکز فرهنگی به نام مرکز فروزان نژاد:

با توجه به مهاجرت زیاد از روستا به شهر، مدت‌ها بود که در تلاش بودیم تا فعالیت‌های سیارک سپهر را در شهر نیز آغاز کنیم. خوشبختانه، با همکاری همیشگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ساختمانی قدیمی متعلق به جهاد کشاورزی را اجاره و از خرداد ماه فعالیت خود را شروع کردیم.

خدا را شکر دوستانی کار درست داشتیم و همین برای ساختن با دست خالی کافی بود. در طول تابستان، دوره‌های آموزشی متنوعی از جمله نقاشی، بازیگری، نقالی و طراحی اوریگامی را برای حدود ۸۰ کودک برگزار کردیم. علاوه بر این، برنامه‌های فرهنگی و هنری متعددی از جمله جشن روز نان، اجرای برنامه‌های خلاقانه توسط خود بچه‌ها، جشن روز جهانی کودک و برگزاری نمایشگاه فروش محصولات زنان سرپرست خانوار را نیز در این مرکز اجرا کردیم.

اینجا، در مرکز فرهنگی فروزان‌نژاد شهرک ولیعصر قاین، با تکیه بر کتاب، چراغی روشن است. گویی این مرکز مصداق این شعر است: "دست در دست هم دهیم به مهر / میهن خویش را کنیم آباد." چرا که همت بلند افرادی که برخی از آن‌ها را از نزدیک هم ندیده‌ایم، ساختمانی متروکه را به مرکزی پویا و پرنشاط تبدیل کرده است. امید که این چراغ فرهنگی در شهرک ولیعصر قاین همواره روشن بماند.

بنیاد سپهر نیز در حد توان خود، با در اختیار گذاشتن نیروی انسانی، امانت دادن برخی تجهیزات و اهداء کتاب، از مرکز فروزان‌نژاد حمایت کرده است.



تصاویر شماره ۳: اجرای فعالیت‌های آموزشی در مرکز فروزان نژاد

از نگاهداشت یک عروسک بومی تا تبدیل آن به یک نشان:

همواره آیین‌ها و تجربه‌های زیسته‌ی مردمان این منطقه برای ما ارزشمند و آموزنده بوده‌اند. یکی از این آیین‌ها که امسال عمیق‌تر با آن همراه شدیم، "آیین چولی‌قزک" بود. چولی‌قزک، عروسک سنتی طلب باران در خراسان است که مردم از طریق آن، طی مراسمی از درگاه الهی طلب باران می‌کردند. ما در کتابخانه روستای زول، این آیین را به صورت نمادین بازنمایی و ویدئویی آماده کردیم تا گامی در جهت حفظ و ماندگاری این میراث فرهنگی برداریم. این عروسک برای ما نماد امید نیز هست. بر همین اساس، "نشان چولی‌قزک" را طراحی کردیم تا به هر کسی که برای تزریق امید به جامعه تلاش می‌کند، اهدا گردد. در نخستین دوره اعطای این نشان، از تلاش‌های آقایان محمد قائم‌پناه، غلامحسین شبانی و ناصر نوربخش تقدیر شد.



تصاویر شماره ۴: اجرای آیین چولی‌قزک در روستای زول



کتابخانه انسانی و حضور استاد داوود کیانیان:

ما بر این باوریم که هر انسانی، خود قصه‌ای شنیدنی و کتابی زنده است. از این رو، در کتابخانه انسانی خود، افراد گوناگون را دعوت می‌کنیم تا تجربه‌های خود را با کودکان در میان بگذارند. امسال، کتابخانه انسانی ما میزبان چهره‌های ارزنده‌ای چون الهام مراد، علی مجتهدزاده، مریم اخگری، استاد داوود کیانیان و دیگران بود. امیدواریم در سال پیش رو، هم ما و هم کودکان، پای قصه آدم‌های بیشتری بنشینیم.



تصویر شماره ۵: همراهی استاد داوود کیانیان با سیارک سپهر

تولد برادری برای سیارک سپهر:

به مناسبت سالگرد زلزله در شهرستان آبیز، سفری داشتیم تا با اجرای برنامه‌های فرهنگی و گفت‌وگو در مورد زلزله، در کنار کودکان باشیم. در این سفر، متوجه فرسودگی شدید ماشین کتابخانه سیار آبیز شدیم که امکان خدمت‌رسانی به روستاها را نداشت. با همت بنیاد سپهر، که پیش از این نیز حامی این کتابخانه بود، و به لطف حامی گرامی، جناب آقای سید محمدعلی صدر قاینی و خانواده محترمشان و به نیت مرحوم فاطمه سادات ولی الهی، مادر آقایان صدر قاینی یک دستگاه وانت مزدا دوکابین خریداری و تقدیم این کتابخانه شد. اکنون، با داشتن "برادری دوقلو" در آبیز، امیدواریم قصه‌های بیشتری به دست کودکان در دورافتاده‌ترین نقاط برسد.



تصویر شماره ۶: آقای اسماعیلی مسئول کتابخانه سیار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان زیرکوه (آبیز)



تولید یک کسب و کار اجتماعی به نام چولی قزک:

از ابتدای راه‌اندازی سیارک، تیمی پرتلاش، عزم خود را جزم کرده تا این کتابخانه سیار را به قلب روستاها برساند. این هم‌افزایی و تلاش جمعی، عامل اصلی موفقیت و پیشبرد اهداف این پروژه بوده است؛ امری که دستیابی به آن به صورت فردی، قطعاً میسر نمی‌شد. اعضای این تیم، با همراهی مسئول سیارک سپهر، کسب‌وکاری اجتماعی را بنیان نهاده‌اند. هدف اصلی این کسب‌وکار، اختصاص سود خالص به فعالیت‌های اجتماعی سیارک و در عین حال، فراهم آوردن بستری امن و باثبات برای اعضا است تا بتوانند با فراغ بال و دغدغهی کمتر، به فعالیت‌های داوطلبانه و دلی خود بپردازند. چولی قزک در سال ۱۴۰۴، با اهدای مبلغ ۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال به سیارک سپهر و حضور اعضای خود به عنوان داوطلب در کنار ما، نشان از همراهی و حمایت ارزشمند خود داشت.



تصویر شماره ۷: نمونه محصولات کسب و کار چولی قزک

دیگر فعالیت‌های کتابخانه سیار در سال ۱۴۰۴:

- برگزاری کارگاه گلدوزی
- برگزاری کارگاه عروسک‌سازی
- برگزاری گشت یک روزه با سیارک سپهر
- دیوارنویسی مدرسه
- انتشار فهرست کتاب‌های پیشنهادی سیارک سپهر برای کودکان و نوجوانان

«تجربه ای از یک روز همراهی با سیارک سپهر» هاله‌ام مراد (تسهیلگر و پژوهشگر توسعه محلی)

آخرین روز آبان ۱۴۰۴، همراه شدن با سیارک سپهر و گشت زدن در سه روستای قاین، یکی از تجربیات شگفت‌انگیز بود. چرا شگفت‌انگیز؟ تلاش می‌کنم که توضیحی در این متن برای آن بنویسم.

یکی از فعالیت‌های اجتماعی- فرهنگی رایج در روستاهای مختلف، انواع کار با کودکان است، کتاب‌خواندن، بازی کردن، فعالیت‌های نمایشی و ... من هم به فراخور کارم تجربه حضور در برنامه‌های مختلفی را داشته‌ام. زمانی که برای گشت سیارک دعوت شدم مهم‌ترین سوالم این بود که چگونه قرار است ارتباط بین شرکت‌کنندگان و بچه‌ها تنظیم شود. گروه‌های مختلف در مناطق مختلف ایران راه‌های متفاوتی را در پیش گرفته‌اند. برخی فقط به افراد متخصص اجازه حضور در برنامه‌های همراهی با بچه‌ها را می‌دهند. برخی پیش از حضور افراد به آن‌ها آموزش‌هایی می‌دهند. برخی دیگر هم یک کار مشخص را به افراد آموزش می‌دهند و از آن‌ها می‌خواهند بدون کم و کاست همان را با بچه‌ها پیش ببرند. این‌ها راهکارهایی است که هر کس از ظن خود و به روش خود برخوردی با بچه‌ها نداشته باشد.

گشت با سیارک شگفت‌انگیز بود به این دلیل که هیچ کدام از این راه‌ها انتخاب نشده بود. راهکار متفاوتی که از ذهن‌هایی متفاوت منشاء می‌گیرد. در این برنامه، بچه‌ها «مخاطب» نبودند آن‌ها خودشان «مجری» و «پیش‌برنده» بودند. یعنی جایی که افراد از مخاطب برنامه‌های اجتماعی- فرهنگی به مشارکت‌کننده‌ای کامل تبدیل می‌شود. کسی که درباره شرایط تصمیم می‌گیرد، برنامه‌ریزی می‌کند و اجرا می‌کند.

پیش از حضور در گشت سیارک، در ذهنم بود که به تیم سیارک سپهر و مسئولین بنیاد سپهر پیشنهاد یک ارزیابی مشارکتی برای برنامه‌های سیارک را بدهم اما بعد از شرکت در برنامه از این پیشنهاد منصرف شدم. دلیل این منصرف شدن هم این بود که نتیجه‌ای که می‌دیدم نیاز به ارزیابی کردن نداشت. عیان بود. آن قدر عیان که هر کس که روایتی از آن بشنود و به دنبال نشانه‌های توان‌افزایی باشد آن را پیدا خواهد کرد.

از خودم می‌پرسم چند روش و برنامه دیگر را می‌شناسم که این‌طور بچه‌ها را از مخاطب به مشارکت‌کننده کامل و صاحب خلاقیت در اجرا تبدیل کند؟ مهم‌تر از شناختن روش، چند اجرا کننده می‌شناسم؟ حتی بهترین مواردی که دیده‌ام، نهایتاً کودکان را توانسته‌اند به خوبی با برنامه «خود» همراه کنند. نه این‌که کودکان را در جایگاه قرار دهند که خودشان «صاحب» برنامه باشند. امیدوارم که تیم سیارک و دیگر مسئولین بنیاد سپهر قدر این مشارکت‌کنندگان ارزشمند و فعال را بدانند و آن‌ها را به عنوان محور توسعه روستاهای منطقه در آینده‌ای نزدیک بپذیرند.





«در باب معرفت»

اکبر کارگر (مسئول کتابخانه سیار افق)

یه روزی بچه‌های روستای اندریک زنگ زدند و گفتند:

- سلام آقای کتابی! فردا ساعت ۲ بیاین روستای ما.

من گفتم:

- اون ساعت نمی‌تونم، ۱۲:۳۰ میام.

بچه‌ها گفتند:

- نه، اون ساعت نمی‌شه، چون مدرسه‌ی نازنین ساعت ۲ تموم می‌شه. پس ساعت ۲ بیاین.

گفتم:

- نه، من کار دارم و همون ۱۲:۳۰ میام.

گفتند:

- یا ساعت ۲ بیاین که نازنین باشه، یا اصلا نیاین!

تلفن رو قطع کردن. چند ثانیه‌ای از دنیای بیرون خارج شدم و به حرف این بچه‌ها فکر کردم.

این که چقدر بچه‌ها پر بودن از معرفت.

این که اگر دوست‌شون نباشه، براشون اهمیت نداره دیگه که کتابخونه باشه یا نباشه.

منو یاد کلمی‌های رمان کلیدر انداختن. یاد معرفت خان عمو.

حقیقتا این بچه‌ها خودشون کتاب هستن و کلی باید ازشون یاد گرفت.





«در باب صبر و چشم پوشی در آموزش»

اکبر کارگر (مسئول کتابخانه سیار افق)

چهار ماه پیش تو یک روستا، بچه‌ها از توی ماشین خودکار و مداد برداشتند و فرار کردند! دومین سفرم به این روستا بود و تازه جزو مقصدهامون شده بود. به روی خودم نیاوردم و خودم رو به ندیدن زدم. به قاین که رسیدم، موضوع رو به امیر گفتم. بهم گفتم: بچه‌ها اشتباه کردن و باید دعواشون می‌کردی! بچه‌ها اینجوری به این کار عادت می‌کنند.

گفتم: گاهی باید خودت رو به ندیدن بزنی. کم کم می‌فهمی که اینا مال خودشونه و نیازی نیست یواشکی بردارن. - اگر از کتابخونه‌ی شخصی بذل و بخشش کنی، کاملاً حق داری که سخت‌گیر باشی یا نباشی. ولی سیارک‌سپهر جنبه‌ی عمومی داره و نظارت بیشتری رو می‌طلبه.

- بچه‌ها از همه‌ی کتاب‌ها برام باارزش‌ترند. وجود و شخصیت بچه‌ها باارزش‌تره یا کتاب و وسایل؟

- تو خیلی بی‌نظم هستی و بچه‌ها باید در آینده مسئولیت‌پذیر بشن و نظارت بیشتری باید داشته باشی.

- نظم داریم تا نظم! بعدشم، باز تو خودت رو خیلی جدی گرفتی‌ها!

به نتیجه نرسیدیم و راستش رو بخواین ازش ناراحت شدم.

خلاصه اون اتفاق تموم شد و کلی غر شنیدم.

چند روز بعد بچه‌های همون روستا زنگ زدن و گفتن: آقای کتابی! میشه بیاین روستای ما؟

گفتم: دارم میرم یه روستای دیگه، ان‌شاءالله فردا میام.

گفتن: تو رو خدا بیاین آقای کتابی! کار داریم. نزدیک روستاشون بودم و رفتم. تا رسیدم، بچه‌ها یه پلاستیک سیاه بهم دادن که چند تا قوطی و یه نامه داخلش بود.

گفتن: نامه رو باز نکنین آقای کتابی، لطفاً. هر موقع رفتین بخونین.

گفتم: باشه.

کتاب خونیدیم و بازی کردیم و ماشین رو سوار شدم. از روستا که خارج شدم و رسیدم خونه، نامه رو باز کردم. نوشته بودن:

به نام خدا

سلام با عرض ادب و احترام

ما یک کاری کرده بودیم که خیلی خودمون ناراحت شدیم و نازنین و ماریا متوجه کار اشتباهمون شده بودیم ما می‌خواستیم خودکار و مدادهایی که برداشتیم برگردونیم وقتی که ما اومدیم بیرون شما رفته بودین و ما خیلی خیلی ناراحت شدیم و متوجه کار اشتباه خود شدیم.

معذرت خواهی می‌کنیم.

امیدواریم از ما دلخوری نداشته باشین.

اشک توی چشم‌هام جمع شده بود. چه کار بزرگی کردن! قریبون قلب پاک‌شون برم من.

آقای امیرخان! اگر اون روز با بچه‌ها دعوا می‌کردم، به خاطر چند تا خودکار و مداد، از کتابخونه دور می‌شدن و احتمالاً تا همیشه نگرش منفی نسبت به کتابخونه پیدا می‌کردن.

امروز اما اونقدر رشد کردن که خودشون پشیمون شدن.

امیدوارم تو هم از بچه‌ها یاد بگیری و جرات پذیرش اشتباهت رو داشته باشی.



سیارک سپهر و دبستان شهید رعنائی
شهربانو قربان پور (معلم و مدیر مدرسه)

به نام خداوند بخشنده مهربان
همیشه جایی در ذهنم دلم می خواست که کلبه درختی داشته باشم و این را مدیون کتاب بچه های دهکده با جلد آبی رنگی هستم که از کتابخانه ی سیار کتابخانه بهشتی گرفته بودم؛
از جلال آل احمد می خواندم و کتاب های مارکتی راندا برن و آثار تخیلی ژول ورن و گاهی هم رمان های نوجوان...
خوش می گذشت.
آنقدر کیف می داد و به جانم می چسبید که انگار در ظهر تابستان در سایه ی درختی و در کنار جوی آبی فالوده بستنی خورده ام.
خوشبختانه یا متاسفانه تنها تفریح من در نوجوانی کتاب خواندن بود. رفاقت من با کتاب ها قدمتی طولانی دارد اما نه به اندازه ی افرادی که آثارشان را می خوانم یا دوست دارم به اندازه ی آنها کتاب باز باشم.
امسال وقتی به مدرسه ای چندپایه رفتم و مسائل و چالش های زیادی را به چشم دیدم باز هم به همان رفیق قدیم نوجوانی ها پناه بردم تا شاید او چاره ای بیندیشد.
این رفیق قدیمی حرف های بیشتری برای گفتن دارد و زبان کودکان را به خوبی می داند.
پس با سیارک سپهر تماس گرفتم و خوشحال از اینکه این ماشین پر از رمز و راز به مدرسه ی ما می آید، دعوتشان کردم.
اولین بار سیارک با چولی قزک مهمان ما بود و من برای اولین بار با چولی قزک و آیین آن و حتی سروده های زیبای قاینی آشنا شدم.
اینکه یک کتابخانه سیار باشد و در یک ماشین جا بشود و اینکه علاوه بر کتاب با خودش شعر و داستان و نمایش به همراه داشته باشد، ترکیب جالبی برای دنیای کودکانی است که ذوقشان با ساده ترین چیزها برانگیخته می شود.
استقبال بچه ها خیلی خوب بود، حتی در طول هفته می پرسیدند که سیارک چه روزی می آید. نامه می نوشتند و نقاشی می کردند که هر موقع سیارک آمد به او بدهند و ارادتشان را ابراز کنند.
این ارادت حتی نموده های بیشتری هم داشت؛ یک روز در کلاس مشغول بررسی تکالیف بچه ها بودم و بچه ها نیز طبق معمول هر زنگ تفریح، سر و صدایشان از حیاط می آمد.
همچنان که مستاصل از بررسی بعضی تکالیف نفسی رها کردم و سرم را بالا آوردم فاطمه زهرا و هوریا را دیدم که دوان دوان آمدند.
ذوق چشم هایشان دیدنی بود، چیزی نپرسیدم. فاطمه زهرا گفت:
خانم خانم ما برای سیارک سپهر یک شعر گفتیم.
با لبخندی بر لب گفتم: جدی؟
گفت: اره خانم
و با هوریا شروع کردند به خواندن.
راستش را بخواهید فکر نمی کردم که شعر چندان جالبی سروده باشند چون به زعم خودم بچه ها از وزن شعر چیزی سر در نمی آورند!
شعر را که می خواندند همان وسط شعر از ذوق اینکه چه شعر زیبایی سروده اند گوشیم را در آوردم و فیلم گرفتم.



بعد از اتمام شعر خواهش کردم یکبار دیگر شعرشان را بخوانند:

هوهو هو سپهره سیارک سپهره این شهر به اون شهر میره روستا به روستا میره
میاد به روستای ما روستای فیروز آباد اون خیلی مهربونه دانا و خوش زبونه
با ما بازی میکنه مارو خوشحال میکنه آرزوی ما اینه ببینیمش همیشه

جشن یلدا با آداب و رسوم و اشعار و مثل های قایینی، چولی قزک، ثبت نام در کتابخانه سیارک، توضیح مفهوم امانت، آداب کتابخوانی، دور هم کتاب خواندن، کتاب هدیه دادن، با کتاب ها رفیق شدن، از آنها آموختن، بازی و دوستی میراث سیارک در مدرسه ما بود.

امسال با بچه های دبستان شهید رعنائی و در کنار هم آموختیم که حتی اگر آنقدرها هم در خواندن و نوشتن خیره نیستیم و همیشه کتاب ها از دوستان دور ما بوده اند، حالا این ارتباط را نزدیک تر کنیم و دوستان نزدیکی باشند که در کنار ما و در خانه مان حضور دارند و از یاد نمی روند.

این اتفاق زیبا را وام دار سیارک سپهر هستیم.

به امید روزهای روشن برای ایران و کودکان ایران





نقاشی ها









نگین قهستان

لحظاتی با اکبر کارگر، کتابدار «سیارک سپهر»

«یار مهربان» بچه‌های روستا



شکل گرفت و امروز با عنوان سیارک سپهر شناخته می‌شود. آقای کارگر، کتابدار سیارک سپهر چه فعالیت‌های انجام می‌دهد؟

• امیرعلی جو | امداد

۴۴ بنیاد توسعه فرهنگی و توانمندسازی سیارک سپهر پیش از یک دهه است که در شهرستان قزوین فعالیت خود را آغاز کرده است. این بنیاد در زمینه‌های گوناگون فرهنگی از قبیل حمایت از کسب و کارهای محلی و خانگی گرفته تا ارائه مبالغ آموزشی در زمینه توسعه و تحول فردی فعالیت دارد اما یکی از ارکان بنیاد کارهای بنیاد سیارک سپهر فعالیت در حوزه کتاب و کتابخوانی است.

متأسفانه باید گفت در سطح کشور سال‌های سال است که مطالعه کتاب‌خوانی به فراموشی سپرده شده است و نهادهای کتابخانه‌های عمومی هم در سطح کلان کشور و هم در منطقه سیارک سپهر، عمل نموده و از انجام وظیفه اصلی خودشان به دلائل مختلف دور شده است.

اینجاست که نهاد های فرهنگی مانند بنیاد سیارک سپهر با به میدان گذاشته و راه کارزار نشانه کتاب و کتابخوانی شده اند. از جمله اقدامات بنیاد بنیاد سیارک سپهر راه اندازی کتابخانه های ثابت و سیار روستایی بوده که حدود هفت متری در توسعه کتاب و مطالعه است. خود بنیاد از کتابخانه سیار روستایی را درست و بازرگانه که چند سال است سیارک سپهر فعال و پر جنب و جوش است. در گفتگو با اکبر کارگر، مدیر سیارک سپهر صحبت کردیم.

سیارک سپهر چیست؟
بنیاد توسعه فرهنگی و توانمندسازی سیارک سپهر در شهرستان قزوین فعالیت‌های متنوعی در حوزه فرهنگی و آموزشی انجام می‌دهد. یکی از اقدامات مهم این بنیاد تلاش برای برقراری آموزشی است. در همین راستا سال ۱۳۹۱ نخستین کتابخانه سیارک سپهر در ایران با عنوان کتابخانه عمومی و مرکز توانمندسازی سیارک افق توسط بنیاد سیارک سپهر در شهر قزوین راه اندازی شد.

کتاب و آلبان شمار به باغبان رسید نظر کان در باره ی تقسیم آموزش و پرورش چیست؟ با معارضان هم در ارتباط هستید؟
ما به طور کلی اگر بخوایم بگوییم همین کلمه یار مهربان و به روستاها می‌رویم. کلمه معجزه ی پیرمیران و فراتر از پیرمیران است. ما بدون کلمه نمی‌توانیم فکر کنیم. کلمات احساس ما را نسبت به محیط تغییر می‌دهند. احساسی که کلمات بیست و هشتی در ذهن ما دارند. گستره ی فکر وسیع تری نیز پیدا می‌کند. کلمه کار، روستا به کلمات گسترده ی دسترسی می‌دهد. و در واقع هر اثری کلمه است و وجود ندارد. من برای آن‌ها کلمه می‌روم.

کلمه‌ها را در قالب کلمه می‌برید از نظر شما کلمه چه ویژگی‌هایی دارد؟
وقتی کودکی بودم، مادرم برای اینکه تاریکی تلخ را به من بخورد، آن را با شکر شیرین مخلوط می‌کرد. کلمه هم مانند همین شکر است. حقیقت و مفاهیم را خوشتر و دلپذیرتر می‌کند. دانش بیشتر از دینار به وسیله ی کلمه منتقل و رمزگشایی شده است. از زمانی که کتاب‌ها را در آن می‌توانستند تا امروز، کلمه همواره رمزگشایی و آموزنده بوده است. معجزه ما را تماماً مظهری ساخته شده که با کلمه می‌تواند. اطلاعات را در یافت کند. حتی در قرآن نیز خطاب به پیامبر آمده است: «فلقم فی القلبن انما یؤمنون بقلوبهم».

شعاری هم دارید که روی خود رویشان نوشته شده است. هر آیین با ره توضیح می‌دهید؟
باید شعر ما را این است: «کتاب همچون آب مایه ی حیات است». کودکی و نوجوانی دوران سیارک سپهر است و کتاب در این سن همان نفسی را دارد که آب برای حیات دارد. کتاب جان را سستراب می‌کند و چهل را می‌شود به همان طوری که دانه بسوی آب به فرخت تبدیل نمی‌شود. کودکی نیز بدون کتاب نمی‌تواند به انسانی خردمند تبدیل شود. همچنین معتقدم همان طوری که آب خامیت پاک‌کنندگی دارد. کتاب هم چهل را می‌شود. خیلی شعاری شده. نه! اما خوب، داریم در این شعر حرف می‌زنیم. دیگر آنی هستند که با خاطر همین شایستگی‌ها

در هر هفته به آموزش درست نیاز داریم تا کلمه می‌کنیم آموزش درست است. هر هفته ی کودکی مد، خشک‌کنی آموزش احساس می‌شود. برای همین در سال ۱۳۹۲ با دعوت آقای مهدی فرشته ی سپهر، کارگاه سیارک سپهر با عنوان «ظهور مهارت‌های مربی گویا» برگزار کردیم که ۲۵ مربی و معلم در آن شرکت کردند. همچنین در قالب «کتابخانه ی انسانی» افرادی با کلمه‌های زندگی متفاوت را به روستا می‌بریم تا بچه‌ها از نزدیک با آن‌ها گفتگو کنند. به دور مد هر انسانی کتابی زندگی است.

فر مورد کتابخانه‌های انسانی بیشتر توضیح می‌دهید؟
ما خیلی به این جمله ی احسان مهدی یوز باور داریم: کلمه زندگی فقط بستک کشش در کتاب نیست. هر آدمی خودش یک کلمه است که راه می‌رود. ما گاهی آدم‌هایی که قصه ی زندگی متفاوتی دارند را دعوت می‌کنیم و با هم به روستا می‌رویم. آن‌جا به بچه‌ها می‌گوییم: امروز می‌خواهیم یک کتاب متفاوت بخوانیم. کتابی که خودت حرف می‌زنی. برای ایشان توضیح می‌دهم که می‌خواهیم کلمه ی انسانی می‌تواند آموزنده باشد. حتی بیشتر از کتاب. مثلاً یک بار آقای مختاری یکی از نویسندگان روسی را به مدرسه ی حاجی آباد بردیم. آن‌جا برای بچه‌ها از تجربه ی ایشان گفتگو و بچه‌ها هم هر چه سوال داشتند، پرسیدند.

دنیای کتاب گسودگ و نوجوان را چگونه می‌بینید؟ آیا بچه‌ها حس کتاب‌ها را بیاط می‌گیرند؟
از ابتدا هدف ما این بوده که کتابی متناسب و مفید به دست بچه‌ها برسد. اما چالش‌هایی وجود دارد. بخت زیادی از کتاب‌های کودکی ترجمه است و بسیاری از آن‌ها توسط فرستادن دارند. حتی لغت‌های برای کودکان خوب و دانشمند برای همین کافی است. خود بچه‌ها را روی شخصیت‌ها می‌گذارم تا نظر بیشتری برقرار کنند. کتاب‌های بومی بیشتر از دانشجو بزرگ‌تری داستان بومی «چولی قرآک» را می‌نویسند. اگر ما قصه‌های خود را ننویسیم، روزی دیگران قصه ی ما را خواهند نوشت. کدام بخش از فعالیت‌های سیارک سپهر برای شما جذاب تر است؟
برای من حساسه را همه جذاب است. در مسیر فکر می‌کنم. خلوت می‌کنم. اگر حساسه داشته باشم کلی حرف می‌زنم. می‌خندم و گاهی هم اشک می‌ریزم. به قول محمدرضا رحیمی جعفری: حرف سفر، هر کس به مفصل می‌رسد می‌آید. من سفر را دوست دارم. مقدمه من رفتن است.

وسعت پایانی؟
اگر کسی مطالعه کند است بیشتر با فعالیت‌های سیارک سپهر آشنا شود. می‌تواند کتاب انگلیسی ما به نشانی "sayarak_sopehr" را دنبال کند.



اگر علاقه مندید با فعالیت سیارک سپهر بیشتر آشنا شوید، می توانید ما را در صفحه های مجازی دنبال کنید:

 @sayarak_sepehr

 @sayarak_sepehr

 @sayarak_sepehr

راه های حمایت از سیارک سپهر:

✓ کمک نقدی

✓ کمک های غیرنقدی (اهدای کتاب، لوازم التحریر و...)